

رونق اقتصاد گردشگری
معطل زیرساخت‌های بزرگراهی
دریا متهم است
بنادر خزر گرفتار گل ولای و رسوب

گیلان امروز

روزنامه
گیلان و مازندران

پنجشنبه ۳ آذر ۱۴۰۱ | ۲۹ ربیع الثانی ۱۴۴۴ | ۲۴ نوامبر ۲۰۲۲
سال بیست و پنجم | شماره ۶۱۳۴ | ۸ صفحه | تک شماره ۵۰۰۰ تومان

علت شش تایی بودن
چه بود
و راه فرار چیست

آوای خوش سوت
کشتی تفریحی
در سواحل مازندران

فاندری
گروه صنایع غذایی نادری | www.naderico.com

سنگینی سهم خوراکی

در سبد هزینه خانوارها

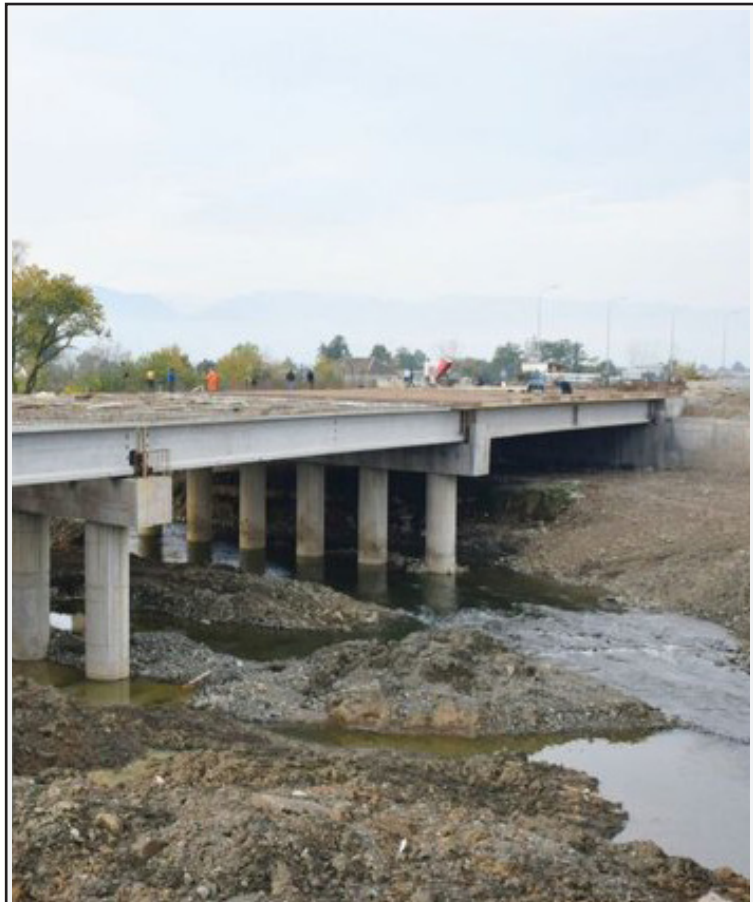
گیلان امروز - بررسی‌ها نشان می‌دهد سهم خوراکی از هزینه کل خانوار ایرانی شهرنشین در سال گذشته، بالاترین میزان این شاخص از سال ۹۳ تا کنون محسوب می‌شود. میانگین هزینه یک خانواده شهری در سال گذشته ۹۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان به ثبت رسیده، این رقم در سال ۹۹ حدود ۶۲ میلیون تومان بوده است. بر این اساس هزینه کل خانوار ایرانی در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال ۹۹ نزدیک به یک و نیم برابر شده، البته این میانگین کل کشور بوده و به یقین این شاخص برای دهک‌های مختلف متفاوت خواهد بود.

به گزارش اقتصاد نیوز، بررسی‌ها نشان می‌دهد هزینه‌ای که خانوار ایرانی به طور متوسط از سمت اقلام خوراکی‌ها و آشامیدنی در سال گذشته متحمل شده‌اند، ۲۴ میلیون و ۶۵۰ هزار تومان بوده است. همچنین هزینه غیر خوراکی و خدمات نیز ۶۷ میلیون و ۸۳۸ هزار تومان برآورد شده است. بر این اساس سهم خوراکی‌ها از هزینه کل در سال گذشته ۲۶.۷ درصد و سهم غیر خوراکی‌ها ۷۳.۳ درصد بوده که نشان می‌دهد سهم غیر خوراکی در سبد هزینه‌ای خانوار مناطق شهری به طور میانگین حدود ۳ برابر خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها است. با این وجود سهم به ثبت رسیده خوراکی‌ها از هزینه کل در سال گذشته، بالاترین سهم این شاخص از سال ۹۳ تا کنون محسوب می‌شود.

افزایش سهم خوراکی‌ها در دهه ۹۰
سهم خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها از هزینه کل در سال ۹۳، ۲۴.۷ درصد به

ثبت رسیده و به طبع سهم غیر خوراکی‌ها ۷۵.۳ درصد بوده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد سهم خوراکی از سال ۹۳ تا سال ۹۶ مدام رو به کاهش بوده و در این سال به ۲۳.۳ درصد رسید، این رقم کمترین سهم خوراکی‌ها از هزینه کل در سالیان گذشته محسوب می‌شود. از نظر مبانی اقتصادی هرچه درآمد افراد بالاتر می‌رود، سهم خوراکی‌ها در سبد مصرفی شان کاهش می‌یابد. چراکه اقلام خوراکی عموماً کالاهای ضروری محسوب می‌شود و اقلام غیر خوراکی به نسبت لوکس‌تر هستند.

از سال ۹۴ تا سال ۹۶ شاهد رشد اقتصادی مناسب در کشور بودیم و حجم اقتصاد ایران در سال ۹۶ به بالاترین حد خود رسید که در نتیجه آن شاهد افزایش درآمد سرانه در کشور بودیم. همانگونه که شاهد آن بودیم در این سال سهم خوراکی‌ها از هزینه کل خانوار ایرانی به حداقل خود رسید. اما از سال ۹۷ شاهد رشد اقتصادی منفی در کشور بودیم و حجم حقیقی اقتصاد ایران به طور مداوم کاهش یافته، همچنین به گفته مقامات رسمی در این چند سال به توجه به رشد جمعیت و عدم رشد اقتصادی، شاهد کاهش قابل توجه درآمد سرانه در کشور بوده‌ایم. از همین رو در چند سال گذشته سهم خوراکی‌ها از هزینه کل خانوار ایرانی مدام افزایش یافته و همانگونه که گفته شد به بالای ۲۶ درصد که بیشترین مقدار این شاخص در چند سال گذشته محسوب می‌شود رسیده است. همچنین بالا بودن تورم خوراکی‌ها در سال گذشته نیز از دلایل افزایش هزینه‌های خوراکی در سبد تقاضای خانوار است.



احداث پل مرزی اتومبیل‌رو در مرز آستارا

جریمه
یک میلیارد تومانی
گرافروش در رشت

اولویت
اقتصادی ۱۴۰۲
چیست؟

روایت جمال
میرصادقی از علاقه‌اش
به تماشای فوتبال

محاکمه زن معتاد
به خاطر
قتل پسر معلول

چرا انقلاب کردیم! (بخش پنجم)

ملی تا انترناسیونال‌های مارکسیست شکل گرفت و البته برخی از این احزاب هم وابستگی پنهان و آشکار آنها به قدرت‌های خارجی، از جمله شوروی و انگلیس و... غیرقابل انکار بود اما یک جریان ملی در سال ۱۳۲۸ شامل تعدادی از احزاب که وابستگی مشخص به خارج نداشته و در پی استقرار یک حکومت سکولار، ملی بودند جبهه ملی را به رهبری دکتر محمد مصدق شکل دادند که ملی‌گرای، دموکراسی‌با شعار برقراری حاکمیت ملی شکل گرفت، علاوه بر دکتر مصدق، چهره‌های شاخص دیگری مانند الهیار صالح، دکتر غلامحسین صدیقی، دکتر حسین فاطمی، دکتر سنجایی، باقر کاظمی، دکتر حبیبی، مهدی بازرگان، رضا زنجانی و احزابی مانند نهضت آزادی، جامعه سوسیالیست‌ها، حزب مردم ایران، حزب ملت ایران تحت عنوان جبهه ملی فعالیت داشتند و یکی از برنامه‌های عمده‌ای که در دستور کارشان قرار داشت ملی کردن صنعت نفت بود که چهره‌های کاریزما و محبوب از دکتر محمد مصدق ساخت اما با کودتای ۲۸ مرداد بساط این احزاب و تمام نشریات و احزاب مستقل دیگر هم برچیده شد و حکومت یک پارچه تحت رهبری شاه قرار گرفت.

بعد از کودتا هم کوششهایی که برای احیاء جبهه ملی صورت گرفت عملاً نتوانست در جریانات سیاسی کشور تاثیر بگذارد اما عناصر بازمانده جبهه ملی داغ کودتای ۲۸ مرداد و ملی شدن نفت و خاطره دو سال حکومت دکتر مصدق به عنوان یک چهره ملی در ذهن مردم باقی بود این بود که در سال ۱۳۵۶ با باز شدن نسبی فضای سیاسی کشور، جبهه ملی دوباره با رهبری دکتر کریم سنجایی احیاء شد و به عنوان یک نیروی سیاسی، بیشتر متکی به چهره‌های شاخص و ملی بدون تشکیلات گسترده و مردمی وارد میدان انقلاب شد آینده‌ای که این جبهه برای کشور تصویر می‌کرد و وعده‌هایی که می‌داد مبتنی بر همان آرمان‌های سی سال پیش از آن بود و بر عدم وابستگی و استقلال و حکومت قانون و ملی‌گرایی تکیه داشت این مفاهیم که با نام مصدق تبلیغ می‌شد اگرچه برای روشنفکران و گروه‌هایی از دانشگاهیان و بخصوص نسل‌های دهه‌های قبل جذابیت داشت در میان جوانان نخواستند و توده‌های مردم چندان گسترش نداشت اما در عین حال به دلیل همین پیشینه آخرین نخست‌وزیر شاه برای عبور از بحران دکتر شاهپور بختیار از همین جریان فکری انتخاب شد که به دلیل مخالفت امام خمینی مورد حمایت قرار نگرفت و شکست خورد در عین حال اولین دولت پس از پیروزی انقلاب به عنوان دولت موقت به مهندس مهدی بازرگان سپرده شد که بیشتر اعضای آن از جریان فکری جبهه ملی بود، اگرچه صبغه مذهبی مهندس بازرگان و نزدیکی‌اش در نهضت آزادی در انتخاب وی از سوی امام خمینی تعیین کننده بود.

در هر حال یکی از گزینه‌هایی که در ذهن نسل ما (نسل انقلاب) وجود داشت این بود که دولتی مستقر خواهد شد، ملی، متکی به قانون‌گرایی، بدون وابستگی، دموکراتیک و اهل مدارا با اندیشه‌ها و افکار و احزاب دیگر، سابقه تاریخی مشخصی هم از وی در خاطره تاریخ اخیرمان به عنوان نمونه خوب و قابل قبول و عمل شده وجود داشت که همان دوره دکتر مصدق و مبارزه وی با ملی شدن صنعت نفت و ترکیب دولتی که از جریانات فکری متنوع تشکیل شده بود و دوره‌ای که متناسب با زمان و امکانات آن دوره اگرچه بی‌اشتباه نبود، اما به طور نسبی موفق بود و هر چه بود صد برابر از حکومت دوره شاه بهتر می‌نمود.

(ادامه دارد...)

ماجرا از این قرار است

که خارج از اراده و توان مان، خدا به دامن رسیده است. شاید خدا دوباره به دامن برسد و از آنجا که به ذهن‌مان خطور نمی‌کند و در محاسبات‌مان نمی‌گنجد، روزنی به روی این کشور بگشاید. خارج از این امیدواری متافیزیکی، من دیگر هیچ نشانه‌ای از راه برون‌رفت کم‌هزینه از این بحران نمی‌بینم و اگر نگویم از امثال من، دست کم از خود من، هیچ کاری بر نمی‌آید جز آنکه احتمالاً قربانی بی‌دلیل و بی‌اثر و بی‌سود و فایده‌بخش کارم می‌شوم. اما این حرف‌ها را نباید به عنوان یک شعار یا شعار تبلیغاتی در نظر گرفت، بلکه ملاحظاتی دیگری مطرح است، در عین حال باید یادآور شد که ۴ دوره مشخص در دوره ۳۷ ساله محمدرضا شاه قابل تفکیک است، دوره اول از شهریور ۱۳۲۰ تا بهمن ۲۷ که شاه در امور اجرایی دخالت چندانی نداشت و در قواره یک پادشاه مشروطه سلطنت می‌کرد، نه حکومت. در این هفت سال و پس از خروج رضا شاه از ایران فضای سانسور و کنترل و فشارهای سیاسی شکست و احزاب، گروه‌های سیاسی و روزنامه‌ها فرصت ظهور و توسعه پیدا کردند و شرایط مناسبی برای فعالیت‌های سیاسی پیش آمد دولت‌های مستقر هم بیشتر پاسخگویی مجلس بودند تا شاه، ترور ناموفق شاه در بهمن ماه ۱۳۲۷ در دانشگاه، که به حزب توده نسبت داده شد موجب غیرقانونی شدن حزب توده شد و تا حد زیادی فضا را برای فعالیت احزاب و رسانه‌ها محدود کرد به طوری که اگر خود شاه هم دخالتی نمی‌کرد دربار از جمله خواهر شاه، اشرف پهلوی، در فضای سیاسی و بخصوص رسانه‌ها دخالت می‌کردند اما در عین حال فضا همچنان، آزاد و شرایط دموکراتیکی (نسبی) برقرار بود و دولت مردمی دکتر محمد مصدق نیز محصول همین دوره است که این دو فصل اول سلطنت شاه با کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ پایان یافت و دخالت مستقیم و مستبدانه شاه از بعد از کودتا شروع و به تدریج قوام یافت تا واقعه ۱۵ خرداد سال ۴۲ تظاهراتی که به هواداری آیت‌الله خمینی شکل گرفت و سرکوب شد. طبعاً در همین دوره نیز اعمال قدرت و نفوذ شاه تا حد زیادی هم به شخصیت و موقعیت مجلس و نخست‌وزیر مربوط می‌شد به عنوان مثال شاه نمی‌توانست همان برخورد و اعمال نفوذی که به منصور و زاهدی و علم داشت به دکتر امینی هم داشته باشد.

اما در هر حال تصمیم‌گیر نهایی همه‌ی امور شاه بود اما از سال ۵۰ که درآمدهای نفت به یکباره رشد پیدا کرد و امکانات مالی بالا رفت و شاه به کمک آمریکا و همین درآمدها به تقویت و تجهیز ارتش پرداخت روزبه‌روز بر قدرت و خودرانی و تفرعن شاه افزوده شد به طوری که حتی دیالوگی که با غرب داشت تغییر پیدا کرد و به عنوان یک پادشاه قدرتمند و بی‌نیاز که کشورش را از فقر و فلاکت و عقب‌ماندگی به درآورده و به آستانه تمدن بزرگ رسانده، ظاهر شد، جشن‌های مساله‌انگیز ۵۰ سال شاهنشاهی پهلوی، و جشن‌های دو هزار و پانصد ساله و خاصه سرچی‌های جشن هنر شیراز و ... نیز در همین دوره اتفاق افتاد.

با توضیح بالا امیدوارم تا حدی حق مطلب بیان شده باشد، اما همانطور که ذکر شد در دوره اول سلطنت شاه، شرایط برای فعالیت آزاد احزاب و رسانه‌ها در کشور مناسب بود و در سایه همین شرایط احزاب و گروه‌های سیاسی متعدد با گرایش‌های گوناگون از چپ تا راست از

کاظم شکوهی



احمد زیدآبادی

در این دو سه روز بعد از آخرین نوشته‌ام، دوستان عزیز و آشنایان و ناشناختان بی‌شماری هر کدام به طریقی و لحنی از درخواست و توصیه گرفته تا تشریهای صمیمانه، خواست‌اند که در تصمیمم برای «خداحافظی با سیاست» در این شرایط تجدیدنظر کنم. من شرمندۀ همه‌ی این عزیزان و قدردان لطف و محبت تک تک آنها هستم، اما واقع این است که آنچه فرموده‌اند، بخشی از نادانسته‌های من نیست چرا که اصولاً پای چند فحش و ناسزا در میان نیست. همانطور که پیش از این هم گفته‌ام، فحش باد هوسا و شاید دل کسی را خنک کند و موجب رنجش کس دیگری شود، اما اثر عملی بر آن مترتب نیست. ماجرای من اما سخت‌تر و پیچیده‌تر از این حرف‌ها شده است. ماجرا از این قرار است که در این شرایط «مافوق حساس کنونی» کنشگری به شیوۀ مألوف من، به امری پرهزینه و بی‌فایده تبدیل شده است و به زودی حتی غیرممکن می‌شود.

هزینه بی‌فایده، پوچ‌ترین و بی‌معناترین کاری است که از یک کنشگر سیاسی یا اجتماعی برمی‌آید و به نظرم نباید آن را پشتِ لفاظی رمانتیک و پر و سوز و گداز پنهان و یا توجیه کرد.

هر کس در این دنیا شیوۀی برای کار خود دارد، شیوۀ من هم در این ربع قرن اخیر این بوده که هر حرف و سخن و کار و اقدامی را در چارچوب تحلیلی مشخصی بدون لحاظ علایق و عواطف و احساساتم، توصیه کنم، حتی اگر آن تحلیل به نظر خیلی‌ها ناقص یا از اساس نادرست بوده باشد.

کسانی که در نظرام بحث‌های خصوصی‌تر من بوده‌اند می‌دانند که شرایط پیش آمده، دور از انتظار نبوده است. سال‌هاست در باره ابعاد و جزئیات و تبعات آن به عنوان یکی از سناریوهای محتمل اندیشیده‌ام، به هراس افتاده‌ام، هشدار داده‌ام و در باره راه‌های پیش‌گیری از آن تا نهایتی که از یک موجود دو پا برمی‌آید، تأمل و تلاش کرده‌ام و حتی از کوچک‌ترین وبی‌اهمیت‌ترین شان‌ها به بهای هزینه از اعتبار و ابرویم، استقبال کرده‌ام.

متأسفم که باید بگویم این تأمل و تلاش بی‌نتیجه مانده و گویا ما ایرانیان در این صد و پنجاه ساله محکوم به تحققی بدترین سناریوها بوده‌ایم، مگر در چند موردی

*** ثبت تخصصی انواع شرکتها و انجام امور تغییرات در شرکت به صورت حضوری و غیر حضوری (صفر تا صد)**

*** تنظیم انواع قراردادهای تخصصی**

*** پیگیری امور اداری سراسر استان گیلان**

دفتر مرکزی: رشت

تلفن تماس: ۰۹۰۳۸۴۲۷۳۷۸ - ۰۹۹۳۴۵۹۸۲۵۷

شرکت تولیدی و شیمیایی پارس سیمین

پارس سیمین تولیدکننده انواع رنگ‌های ساختمانی صنعتی و رنگ‌های پودری الکترواستاتیک

نشانی: کیلومتر ۵ جاده رشت انزلی صندوق پستی ۱۱۴۱-۴۳۴۱۵

تلفن: ۲۱۶۶ و ۳۴۴۲۲۱۷۷ فکس: ۳۴۴۲۲۰۴۴

پست الکترونیک: info@parssimin.com | pars_simin@yahoo.com

مراکز معاینه فنی خودرو

برادران پوررستگار

همه روزه آماده خدمت رسانی به مشتریان و همشهریان عزیز می‌باشد

۱- رشت - روبروی فرودگاه خودروی سبک - مرکز ۳۴۰۴

۲- رشت - لاکان شهر خودرو سبک - نرسیده به تقاطع راه آهن مرکز ۴۴۶۳

۳- خمام - چوکام - خودروی سبک - مرکز ۳۴۰۱

۴- خمام - چوکام - خودروی سنگین - مرکز ۵۴۰۲

تلفن: ۵-۳۳۷۲۳۳۰۰ و ۵۰-۳۳۴۰۲۴۴۸